

The semantic connection of Surah Alaq and its interpretation with the basics of Islamic lifestyle in Ayatollah Khamenei's thought

(Received: 2023-09-11 Accepted: 2023/12/05)

Narges Soltani¹, Mohammad Farahani²

Abstract

God shows an approach of the Islamic lifestyle in the field of applying the verses of the Quran to a happy human life. This writing is based on the great importance of Surah Al-Alak in the fundamental concepts of religion, including knowledge, dignity, monotheism, resurrection, will, choice, and justice in the meanings of its verses, and also by examining the view of Ayatollah Khamenei, which is based on the principles of a unified lifestyle. Epistemology, anthropology and ontology have stated in recent years, it deals with the semantic connection and interpretation of related words from Surah Al-Alak with their foundations in a descriptive-analytical and adaptive way. And it leads to this, that in the foundations of his epistemology, he refers to the sources of knowledge, revelation and reason, in the foundations of anthropology, to the dignity of man, will, free will, and desire for human debauchery, in the foundations of ontology, to the origin and management of existence (monotheism) and purposefulness of existence (resurrection).) are mentioned and their connection with the words of the Surah is determined.

Keywords: Surah Al-Alak, interpretation, lifestyle, Ayatollah Khamenei

1) A graduate of the University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran - Faculty of Quranic Sciences in Tehran (Corresponding Author) nargessoltani113@gmail.com

2) Assistant professor and member of the faculty of Tehran University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an farahani314@gmail.com



ارتباط معنایی سوره علق و تأویل آن با مبانی سبک زندگی اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴)

نرگس سلطانی^۱، محمد فراهانی^۲

چکیده

خداوند رهیافتی از سبک زندگی اسلامی را، در عرصه عمل به آیات قرآن، به زندگی سعادت‌مندان بشری نشان می‌دهد. این نگارش با توجه به اهمیت والایی که سوره علق در مفاهیم بنیادین دینی از جمله علم، کرامت، توحید، معاد، اراده و اختیار و عدل که در معانی آیاتش دارد و همچنین با بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای که بر اساس مبانی سبک زندگی موحدانه بر سه پایه معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی در طی سالهای اخیر بیان نموده‌اند، به ارتباط معنایی و تأویلی واژگان مرتبط از سوره علق با مبانی ایشان به شیوه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی می‌پردازد و به این منجر می‌شود که در مبانی معرفت‌شناسی ایشان به منابع معرفت وحی و عقل، در مبانی انسان‌شناسی به کرامت انسان، اراده، اختیار، خردورزی و برخورداری از اندیشه و میل به فجور انسان، در مبانی هستی‌شناسی به مبدأ و مدیریت هستی (توحید) و هدفمندی هستی (معاد) اشاره می‌نمایند و ارتباط آنها با واژگان سوره مشخص می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سوره علق، تأویل، سبک زندگی، آیت‌الله خامنه‌ای.



دوره پنجم
شماره نهم
پائیز و زمستان
۱۴۰۱

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - دانشکده علوم قرآنی تهران (نویسنده مسئول)
nargessoltani113@gmail.com

(۲) استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران farahani314@gmail.com



۱. مقدمه

سوره علق را سوره «إقرأ» و «قلم» نامیده‌اند. علق که به معنای خون بسته است، از آیه دوم گرفته شده است. سوره علق جزو سوره‌های مکی قرآن و به نظر بیشتر مفسران، در ترتیب نزول، پنج آیه اول، اولین جرعه از نزولات وحی است. نود و ششمین سوره در ترتیب مصحف شریف است و در پایان حزب سوم جزء سی قرار دارد. دارای ۱۹ آیه و از نظر حجم، جزو سوره‌های مُفَصَّلَات (دارای آیات کوتاه) و از سوره‌های کوچک قرآن و جزو چهار سوره سجده‌دار (عزائم) قرآن است و آیه آخر آن سجده واجب دارد.

هدف‌های این سوره شامل توجه انسان به خداوندی که او رب است و آفریدگار و ارجمند و آموزش دهنده است و کنار زنده پنده‌های جهل و نادانی است و توجه بشر به اینکه خداوند او را از علق آفریده و اینکه او تحت ربوبیت خداوند است و حامل لوی علم و معرفت و هنگامی که خود را مستغنی می‌یابد فساد و طغیان می‌کند. توجه به این که بازگشت همه چیز به سوی خداست؛ آغاز و انجام همه به دست او و به سوی اوست؛ متوجه ساختن انسان به وظایف او که باید قرائتش بلکه همه افعالش به نام خدا و در راه هدایت باشد و دستور تقوی دهد، با حق ستیزه نکرده و به آن پشت نکند و بداند که خداوند او را می‌بیند. ترساندن از نکال خداوند که او موی سر او را می‌گیرد و با حقارت و ذلت به سوی عذاب می‌کشد و توجه به اینکه خداوند می‌خواهد از طغات و فاسدین پیروی نشود و بندگان خدا در پیشگاه او به خاک مذلت بیافتند و قرب و نزدیکی او را بخواهند.

مبنای سبک زندگی در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در سه بخش است: معرفت شناسی، انسان شناسی و هستی شناسی که در هر یک مبنای مشخصی دارد. منابع معرفت در معرفت شناسی، عقل، وحی (کتاب) و سنت می‌باشد که در این منابع، مولفه‌های سبک زندگی اسلامی به علم و دانش، ایمان و تقوا، توجه به ارزش‌ها و شعائر الهی شناخته می‌شود. در انسان شناسی، مبنای انسان شناسی را می‌توان به مختار و آزاد بودن انسان، دارای کرامت ذاتی، طبیعت میل انسان به فجور و مرزگشایی، خردورزی و برخورداری از اندیشه اشاره نمود. در هستی شناسی نیز، مبنای آن به مبدأ و مدیریت هستی (توحید)، هدفمندی و غایت هستی (معاد) بر پایه عدل و عدالت خواهی ختم می‌شود.

حال با توجه به مبنای سبک زندگی انسان در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای این سوال به ذهن می‌رسد که ارتباط معنایی و تأویلی سوره علق از دیدگاه مفسران با مبنای سبک زندگی اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای چگونه است؟ با توجه به بیان اهداف سوره که در

ابتدا معرفی شد ارتباط این سوره با معنای واژگانی همچون علم، خلق، اکرم، لیطغی، هدی، علق و... در مبانی هر سه بخش معرفت شناسی، انسان شناسی و هستی شناسی با بررسی تفسیر و تأویل این آیات از سوره مشخص می‌گردد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

در بحث سبک زندگی اسلامی تاکنون مقالات فراوانی نگاشته شده است که در این میان برخی از سبک زندگی اسلامی در دیدگاه آیت الله خامنه ای بدین صورت آمده است: مقاله «نگاه هستی شناسانه به سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» از حسین حسن زاده، نشریه الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۹، شماره ۴ با استفاده از مولفه های خودشناسی، عقل، استقلال فرهنگی، پیشرفت، عدالت و... نقشه هندسی سبک زندگی اسلامی را تبیین نموده‌اند.

۲- مقاله «سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» از ابوالفضل احمدی و ابوالفضل ذوالفقاری در نشریه مطالعات میان فرهنگی، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۳۹ که ایشان دالهای گفتمان سبک زندگی اسلامی را در بخش های دال مرکزی: منش اسلامی؛ دالهای برتر: معنویت، الگوداشتن، عقلانیت و حفظ مناسک و دالهای فرعی: رفتارهای فردی (مدیریت بدن، پوشاک و ورزش کردن)، نوگرایی، و مصرف بیان نموده‌اند.

۳- مقاله «مولفه های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» از آقای نوروز امینی نشریه مهندسی فرهنگی، تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۸۴ که در پنج حوزه اندیشه، خلاقیت فردی، خانواده، خلاقیت اجتماعی و کسب و کار به روش توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است.

در تمام این مقالات و دیگر موارد، تاکنون به بررسی این مبانی و ارتباط معنایی با سوره های قرآن نگارشی صورت نگرفته شده است و در این زمینه قابلیت پژوهش و نوآوری وجود دارد. از طرفی دیگر در رابطه با سوره علق نیز مقالاتی که با موضوع تأویل و یا تفسیر این سوره با بیانات رهبری به تحلیل و هماهنگی در آیات پرداخته باشد، یافت نشده است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. علق در لغت

واژه ی «علق» شش بار در قرآن کریم آمده است: (علق، ۱ و ۲)، (حج، ۵)، (مؤمنون، ۱۴)، (غافر، ۶۷)، (قیامت، ۳۸) که در پنج آیه به گونه های مختلف استفاده شده است. علق بر



وزن فرس، جمع علقه است که در معانی متعددی همچون خون بسته، زالو و... استعمال شده است. ولی اصل همه معانی آن به يك معنا برمی گردد یعنی: «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود». و از آنجا که زالو و خون بسته به چیز دیگری می چسبند و بدان آویزان می شود علق نامیده شده است.) حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده علق، (در این سوره «علق» به معنای خون بسته بیانگر:

۱. چسبنده بودن آن (مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۱۵۶)

۲. آویزان شدن آن به جداره رحم؛

۳. شباهت به زالو چرا که نطفه در رحم، زالو وار به رحم می چسبند و از خون تغذیه می کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۸/ ۱۸۴)

نکته: تفسیر علق به معنای خون بسته آویزان به رحم، با سیاق آیات متناسب است، به ویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین شناسی جدید به عنوان واسطه ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) به شمار می رود؛ یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می کند تا شکل گیری علقه کامل شود. این نوعی رازگویی قرآن است که بشر را به اسرار خلقت خویش آگاه می کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۸۷)

۲-۲. سبک زندگی

واژه سبک در لغت به معنای شیوه، روش، طرز، راه و رسم، قاعده، اسلوب و... آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۱۸۱۸) کلمه زندگی نیز در لغت به معنای: عمر، زندگانی، حیات، زیستن، معاش و زنده بودن است (کاویانی، ۱۳۹۶: ۵۲)

اصطلاح سبک زندگی در زبان های مختلف با تعابیری همانند: سیره در زبان عربی و "style" در زبان لاتین است. این سبک زندگی، همان الگو و نوع رفتاری نسبتاً پایداری است که بر تمام رفتار و منطق انسان سیطره دارد و بروز و ظهور می یابد. (طباطبایی یزدی و دیگران، ۱۳۹۶: صص ۳-۴، ۷)

سبک زندگی قرآنی به این معنا است که تمامی گرایش ها، رفتار، باورها، ارزشها و مجموعه برداشت ها، عادت ها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی و سیاسی فرد یا جامعه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای عمل به آموزه های دین اسلام نهادینه شود. (مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم بجنورد، ۱۳۹۱)

۲-۱. مبانی سبک زندگی اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای

از دیدگاه ایشان مبانی سبک زندگی اسلامی در ۳ بخش معرفت شناسی، انسان شناسی و هستی شناسی تشکیل می شود که در بخش معرفت شناسی به موضوع منابع معرفت الهی و راه های شناخت آن پرداخته می شود. در بحث انسان شناسی به موضوع رابطه انسان با خالق هستی و جایگاهی که برخوردار است به معرفی انسان از دید ویژگی های خدادادی وی پرداخته می گردد. در بخش هستی شناسی با بررسی ماهیتی و چیستی هستی و ارتباط آن با خدا، انسان و دیگر موجودات بر محوریت ربوبیت الهی بحث می شود.

۳-۲. تأویل

تأویل در لغت: از ماده «اول» به معنای بازگشت است و در باب تفعیل به معنای بازگشت دادن می آید. (لسان العرب، ۱۱/۳۲-۳۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱/۱۷۸)

تأویل از دیدگاه مفسران: در بین مفسران، دیدگاه های متفاوتی از تأویل برداشت شده است که در این میان علامه طباطبائی تأویل را به معنای حقیقت عینی که خارج از سنخ الفاظ و معانی هست دانسته و مختص به تمام آیات قرآن می نمایند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸/۲۵) گرچه این نظر را آقای رضایی اصفهانی مطابق آیت الله معرفت که تأویل رابه معنای بطن می داند، نپذیرفته اند چراکه دلالت در لغت، قرآن و حدیث ندارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱/۱۸۶) با این وجود که تعبیر متفاوتی از تأویل در بین مفسران اطلاق می شود، در این نگارش آنچه از تأویل تعبیر شده است به مواردی از جمله تفسیر و معنای باطنی آیات از مفسران اشاره دارد.

۳. محتوای سوره علق

سوره در ابتدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور قرائت و تلاوت داده است و بعد از آن صحبت از آفرینش انسانی می کند که در عین عظمت، از موجودی بی ارزش خلق شده است سپس، تکامل انسان و بحث قلم و علم را بیان می کند. مرحله ی بعد از آن، ناسپاسی آدمی که در برابر تمام نعماتی که خداوند در جهت رشد وی قرار داده و طغیانگری نموده است را با اشاره به مجازات دردناک کسانی که مانع هدایت مردم می باشند بیان نموده و در نهایت با دستور سجده به پروردگار، آیه خاتمه می یابد. (روح بخش، ۱۳۸۹: ۲/۱۹۹)

خلاصه محورهای اساسی سوره علق عبارتند از:

الف: یادآوری توحید و خالق عالم آفرینش ب: یادآوری و هشدار به راه سعادت و شقاوت



انسان در مسیر زندگی که راستای مطالب سوره بدین صورت است:

- دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تلاوت. (آیه ۱)
- بزرگی نعمت جایگاه علم و قلم. (آیات ۴-۵)
- بیان تناسب سرمایه داری با سرکشی انسان. (آیات ۶-۷)
- بیان انتخاب راه های متعدد در مقابل انسان. (آیات ۹-۱۳)
- یادآوری نظارت خداوند بر هر چیزی در هستی. (آیه ۱۴)
- تهدید و یاد آوری به افراد معاند و سرکش. (آیات ۱۵-۱۸)
- امر به سجده و تقرب به خدا. (آیه ۱۹) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۳)

۴. مبانی سبک زندگی اسلامی در بخش معرفت شناسی

در معرفت شناسی الهی منابع معرفت و شناخت عبارتند از: عقل، وحی، سنت، حواس و تجربه می باشد که از مهم ترین آنها در دیدگاه آیت الله خامنه ای به وحی (کتاب)، سنت و عقل اشاره می شود. (آیت الله خامنه ای، در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۷۰/۴/۱۰)

۴-۱. وحی و عقل

در ابتدای سوره علق خداوند به پیامبر اکرم از طریق وحی، هدایت بشری را فراهم نموده است و می فرماید: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق، ۱) « بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده ها را] آفریده» از نظر علامه طباطبایی: «أَقْرَأْ» در آغاز وحی به پیامبر اکرم (ص) گفته می شود، به معنای دستور به تلقی و دریافت وحی می باشد که این دستور به معنای قرائت و تلفظ بر انسان ها نیست. قرائت به معنای جمع کردن حروف و کلمات با هم می باشد و به هر خواندنی قرائت گفته می شود چه در ذهن بخواند، خواه به لفظ آورده و تلفظ شود و خواه اینکه شخصی کتابی را قرائت کند و به سمع دیگران برساند که این نوع از قرائت قرائتی خاص می باشد و از آن به تلاوت هم یاد می شود. بنابراین قرائت به معنای تلقی وحی است و در این آیه شریفه به این معناست کتابی را که به شما عطاء می شود، بخوان و تلقی کن. گویا با خواندن، وحی در حضرت محقق می شود. در این آیه می فرماید: «أَقْرَأْ» یعنی بخوان و تلقی کن این قرآن. این مرحله تلقی وحی و مبعوث شدن نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، مرحله جدیدی از حضور حضرت در عالم است. یعنی ای پیامبر وقتی می خواهید وحی را بخوانید و تلقی کنید، با استعانت از اسم پروردگارتان آن را دریافت کنید. پروردگار تو کسی است که تمام عالم را آفرید که فرمود: «الَّذِي خَلَقَ». پروردگار تو خالق انسانی است که از خون بسته

شده آفریده شده و او را به تدریج در خلق بعد از خلق به این مرحله از کمال رسانده است که فرمود: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ»، خداوند علاوه بر اینکه خالق ما می‌باشد، رب ما نیز هست. ربوبیت خداوند این است که فرمود: «رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» خداوند پس از دستور «اقْرَأْ» باز هم تاکید می‌کند که ای پیامبر ما وحی و کتاب ما را تلقی کن به اسم آن پروردگاری که به انسان کریمانه ترین عنایات را داشته و او را از خون بسته شده آفریده و به مرحله تعلیم بالقلم رسانده است. خداوند متعال با این تعلیم به این انسانی که او را از هیچ آفرید، آنچه را نمی دانسته به اندازه ظرفیت و وسعت او عطاء نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۲/۵۴۷)

یکی از مهم ترین منبع معرفتی که زندگی انسان را متمدن کرده و راه های ارزشمند و نیک در اختیار انسان قرار می دهد، عقل و خرد است. گرچه برخی آن را بالاترین منبع معرفتی می دانند؛ اما عقل محدود به امور معقول است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰/۵) از منظر آیت الله خامنه ای راه ارشاد عقل به جز وحی خدا نیست. وحی به معنای تعلیم خاص خداوند و هدایت به بنده ی برگزیده اش پیغمبر، که به واسطه او، این هدایت و تعلیم نیز در اختیار انسانهای دیگر قرار بگیرد. پس مسئله ی اول، مسئله ی وحی است. و بنابراین منطقه عقل آدمی داخل مجموعه وحی الهی می شود؛ چراکه وحی، نقش هدایتگری انسان در زمینه ی عقلیات و ذهنیات را ایفا می نماید. (جهان بین، ۱۳۹۸: ۴۴- آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۵))

حال با توجه مبانی مهم وحی و سپس عقل، مولفه های سبک زندگی اسلامی در معرفت شناسی الهی در دیدگاه آیت الله خامنه ای به علم و دانش، ایمان و تقوا و توجه به ارزش ها و شعائر الهی اشاره شده است:

۲-۴. مولفه علم و دانش

زندگی همراه با نظم علمی و پیشرفتهای زندگی، در جهت صحیح زندگی و با رعایت انصاف، صفا، صداقت و... سبک زندگی اسلامی را معرفی می کند چرا که اساس همه چیز، بر دانش و آگاهی و معرفت شکل می گیرد. (آیت الله خامنه ای؛ در خطبه های نماز جمعه ی تهران (۲۸/۲/۱۳۸۰) در آیه اول سوره همانطور که اشاره شد، در آغاز بعثت به وجود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور علم آموزی و فراگیری علم داده شده است. اولین چیزی که انسان باید بخواند و بداند معرفت خدای سبحان است چون اولین موجود اوست که دومی ندارد و او خالق است؛ لذا اول علم، معرفت اوست و به وجود مبارک آن حضرت هم فرمود: «اقْرَأْ»؛ اسم رب را بخوان! این اسم گرچه لفظی را شامل می شود، یک؛



لفظی که دلالت بر مفهوم دارد آن مفهوم هم اسم خداست. مظاهر آن اسما که انبیا و اولیا و اهل بیت (علیهم السلام) هستند که اگر کسی مظهر اسمی از اسمای الهی شد کارگزار است، نفس، قدم و قلم او اثربخش است اینکه فرموده: «أَقْرَأُ بِأَسْمِ رَبِّكَ» هم شامل لفظ می شود هم شامل معنا می شود؛ اگر اسم لفظی باشد قرائت به یک معنا و مصداق است و اگر قرائت مفهومی باشد به مصداق «أَقْرَأُ» فرق می کند. گرچه کل جهان را ذات اقدس الهی خلق کرد. بنابراین پیام رسمی این بخش در مدار تعلیم، تَعْلَمُ، معلّم، علم و خصوصیت علم و معلوم است. قرائت و خواندن تنها در تلفظ نیست اگر کسی کتابی را مطالعه کند و این کلمات را جمعاً از کنار ذهنش عبور بدهد این هم یک نحوه قرائت است اما قرائت شایع و روشن همان قرائت کلامی و لفظی است. اصل خواندن که ترغیب به علم است اینکه اسم رب را بخواند، اولین درسی که قرآن می دهد توحید است. بحث های توحیدی هم یک سلسله مباحث علمی محض است. (جوادی آملی، ۱۳۹۹/۱/۲)

خداوند در ادامه این سوره می فرماید: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق، ۴) همان که به وسیله قلم آموخت»

۴-۲-۱. عِلْمٌ: ادراك حقیقت چیزی است و بر دو گونه است: ادراك ذات شیء و حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است. پس علم در نوع اول متعدی به يك مفعول است و علم در معنی دوم متعدی به دو مفعول است. عِلْمٌ از جهتی دیگر بر دو گونه است: علم نظری و علم عملی. علم نظری: چیزی است که وقتی دانسته باشد با دانستن بیشتر کامل می شود. مانند علم به موجودات عالم و علم عملی، دانشی است که تمام نمی شود مگر اینکه به آن علم، عمل شود همچون علم به عبادات. از جهتی دیگر نیز عِلْمٌ دو گونه است: علم عقلی؛ (علمی که با اندیشه و عقل دانسته می شود) و علم سمعی؛ (علمی که صرفاً از شنیده ها و مسموعات است) اَعْلَمْتُهُ وَعَلَّمْتُهُ: در اصل یکی است جز اینکه تعلیم به آن چه را که زیاد تکرار می شود اختصاص دارد تا جائی که اثری از آن در نفس آموزنده حاصل شود، ولی اِعْلَامٌ مخصوص خبر دادن سریع و تند است. بعضی از علماء گفته اند: تَعْلِيمٌ آگاهی دادن و تنبیه یا هشدار است به نفس آدمی است برای تصوّر معانی و تَعْلَمٌ آگاهی و تنبّه نفس برای تصوّر چیزی است که می آموزد و چه بسا وقتی تکرار در آن باشد در معنی اِعْلَامٌ به کار رود، مثل این آیه که بیان شده است. (راغب، ج ۲۸، ص ۱۸۱) «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» وسیله نشر معارف است و در آن نیز به مکتوبات قلم سوگند یاد کرده است. بنابراین در بحث سبک زندگی اسلامی آنچه اهمیت بسیاری در معرفت الهی دارد علم و آگاهی انسان از خداوند خالق، انسان و جایگاه وی در

هستی و به عبارت دیگر بیانگر تفکرات صحیحی که پایه و اساس اعتقادی انسان را در نوع جهان بینی توحیدی وی می‌باشد در این رکن ظهور و بروز می‌نماید.

۳-۴. مولفه ایمان و تقوا

ایمان به معنای ایمان به خدا، وعده‌ی الهی؛ هرچیزی که با دستورات تشریحی خداوند به وسیله‌ی پیامبرانش نازل نموده است. (آیت الله خامنه‌ای؛ در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲) از آنجا که انسان موجودی حریص، بخیل و... به عبارتی در درونش نفس اماره‌ای است که بر تمام بدی‌ها دعوت می‌کند، لذا انسان، آسیب پذیر می‌گردد و باید مراقبت با تقوای فردی از خود نمود. (آیت الله خامنه‌ای (۴/۶/۱۳۸۱) - (۱۲/۵/۱۳۷۲) خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى﴾ (۱۲) یا [دیگران را] به پرهیزکاری وادارد؟ [آیا آن بازدارنده سزاوار کیفر سخت نیست؟]

۳-۴-۱. تَقْوَى: از ریشه وَفَى گرفته شده است. و به معنای حفظ شیء از آنچه اذیت و ضرر می‌رساند. تقوی اسم است از اتقاء و هر دو بمعنی خود محفوظ داشتن و پرهیز کردنست. راغب گوید: تقوی آنست که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم این حقیقت تقوی است سپس خوف را تقوی و تقوی را خوف گویند. تقوی در اصل وقوی است و او به تاء عوض شده است. در شریعت و دین تقوی یعنی خود نگهداری از آنچه که به گناه می‌انجامد و این تقوی به ترك مانع تعبیر می‌شود که با ترك نمودن حتی بعضی از مباحات که گناه هم ندارند کامل و تمام می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴/۴۸۰) تفاوت آن با ایمان در این است که ایمان، عقیده است و تقوا، اجرا و کار بستِ ایمان است.

۴-۴. مولفه توجه به ارزشها و شعائر الهی

شعائر الهی، به مکان‌ها و نشانه‌های جهت عبادت می‌باشند برای یادآوری ذکر و یاد خداوند می‌باشند، از جمله آنها می‌توان حج خدا، نماز، روزه، زکات و... از نشانه‌های یک انسان موحد می‌باشد. (شکوری، ۱۳۷۷: ۱۱۷) خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ (علق، ۱۰) بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌خواند. «

۴-۴-۱. صَلَّى: مراد از عبدی که نماز می‌خواند به طوری که از آخر آیات بر می‌آید رسول خدا (ص) است، چون در آخر آیات آن جناب را از اطاعت آن شخص نهی نموده، امر به سجده‌اش و به نزدیک شدنش می‌فرماید. علامه بر اساس این آیه می‌گوید که بنا بر این فرض که سوره مورد بحث اولین سوره نازل شده از قرآن باشد، و نیز بنا بر اینکه از اول تا به آخر سوره



یکباره نازل شده باشد، سیاق این آیات دلالت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) قبل از نزول قرآن نماز می خوانده، و همین معنا دلالت دارد بر اینکه آن جناب قبل از رسیدنش به مقام رسالت با نزول قرآن، یعنی قبل از حادثه بعثت از انبیا بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۵۱/۲۰)

۵- مبانی سبک زندگی اسلامی در بخش انسان شناسی

از مبانی مهم انسان شناسی در دیدگاه آیت الله خامنه ای به مواردی از جمله: اراده و اختیار انسان (مختار و آزاد)، خردورزی و برخورداری از اندیشه، کرامت ذاتی و طبیعت میل انسان به فجور و مرزگشایی اشاره نمود:

۵-۱. کرامت ذاتی انسان

آیت الله خامنه ای ضمن اهمّیت کرامت انسانی میفرماید: «در هیچ مکتبی به اندازه اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا و برتر نمیدانند. اصل «تکریم انسان» یکی از اصول اسلامی است که همواره به عنوان معرّفی اسلام تعریف میشود. (آیت الله خامنه ای، در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۲۵/۹/۱۳۷۱)

خداوند در بحث کرامت انسانی ابتدا به کرامت خویش اشاره نموده است و می فرماید: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ (علق/۳) بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است.

۵-۱-۱. الْأَكْرَمُ: مشتق شده از کرم و کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزّت است. در صحاح و قاموس می گوید: «الکرم ضدّ اللؤم» یعنی کرم ضدّ لئامت است پس کریم به معنی سخی است. (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۱۰۳/۶) راغب می گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می شود به کسی کریم نگویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعالی از وی ظاهر شود و هر چیزی که در نوع خود شریف است با کرم توصیف می شود.

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ به معنی این است که معلم خداست از یک سو، و از سوی دیگر، متعلم پیغمبر است، دو درسی که داده می شود، درس کرامت است. کرامت جمع بین علم و عمل، باید و نباید و جمع بین اینکه در عالم هستی چه چیزی هست و انسان باید چه کاری را انجام بدهد و یا اجرا نکند قرار گرفته است. که باید از کسی که شریکی ندارد و تنها خالق اوست، تکیه زده شود. اینکه خداوند علم، تعلیم و تعلّم را در آیات ابتدایی سوره تشویق نموده و دستور داده است که بخوان بر محوریت اینکه قرآن کریم که کتابی کریم است و کتاب کریم به جمع بین دو حکمت نظری و حکمت عملی اشاره دارد: در

حکمت نظری بیان توحید خالقیت و توحید ربوبیت است و در حکمت عملی که انسان باید کریم بشود و کریمانه به سر ببرد لذا یکی از مبانی مهم سبک زندگی اسلامی برگرفته از تدبر در آیات قرآن کریم کرامت انسانی است چراکه انسان موحد است و لذا نباید بیراهه برود و نه راه کسی را ببندد. و تنها رب و خالقش و مبدأ و مرجعش خداوند کریم می‌باشد..

۵-۲. خردورزی و برخورداری از اندیشه

در نهج البلاغه آمده است که «خداوند پیامبر را مبعوث نمود تا گنجینه‌های خرد را در بین انسانها برانگیزاند.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ی ۱) که با این خرد بتواند راه زندگی را بیاید. بنابراین انسان باید همواره اندیشه با تحلیل و سنجش در هر امری از زندگی خویش نماید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۶: ۲۰)

خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق، ۵) «به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم داد.»

۵-۲-۱. ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ در این جمله دو طایفه از آیات است: یکی اینکه خدای سبحان چیزهایی را به انسان یاد می‌دهد که انسان نمی‌دانست؛ یکی اینکه خدای سبحان چیزی به جوامع بشری یاد داد و یاد می‌دهد که بشر از آن جهت که بشر است نمی‌تواند یاد بگیرد. می‌توان گفت چیزی به انسان یاد داد که نه تنها قبلاً نمی‌دانست در آینده نیز اگر معلم و حیوانی نبود نمی‌توانست یاد بگیرد. ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛ اگر این آیه بود ممکن بود که این علم را بشر از جای دیگر هم یاد بگیرد؛ اما وقتی ﴿وَيُعَلِّمُكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ آمده است یعنی جای دیگری نیز نیست. اینکه می‌فرماید قرآن را یاد داد و سپس انسان را خلق کرد این مفهوم را می‌رساند که تا زمانی که انسانی علوم قرآنی را نداند و موحد قرآنی نشود، هستی او هستی انسانی نیست، یک هستی عادی دارد که به حسب ظاهر حیات حیوانی دارد لذا، برنامه آسمانی قرآن کریم انسان ساز است به عبارتی بعد از اینکه علم قرآنی آمده است جامعه انسانی را تشکیل بدهد.. این بیان و سخن، اینها دو وسیله برای نشر معارف الهی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۱)

۵-۳. طبیعت انسان میل به فجور و مرزگشایی

انسان که ترکیبی از بدن مادی و روح مجرد است. از آنجا که طبیعت انسان در پرتو بدن مادی اش و فطرتش به روح مجرد قرار می‌گیرد، (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۵۷) لذا تمام رذایل انسان به طبیعت و فضایل وی، به فطرت او برمی‌گردد. بنابراین با



خاموش نمودن ندای فطرت، آدمی درگیر طبیعتش می‌گردد که نتیجه آن انبوهی از رذایل است. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹/۱۶۹) خداوند می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾ (علق، ۶) «این چنین نیست [که انسان سپاس گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می‌کند».

۳-۵-۱. یَطْغَى: از ریشه طغی و طغو می‌باشد. طغیان به معنای تجاوز از حد است. راغب آن را تجاوز حد در گناه می‌داند. گناهکار از حد خویش تجاوز کرده و گرنه حد او انسانیت و نیکوکاری است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۲۲۳) تفاوت طغیان و کفر: طغیان جنبه عملی دارد و کفر جنبه نظری؛ طغیان به تجاوز نمودن از حد خود به حدود دیگران و ارتکاب گناهان اشاره دارد. (بهرامپور، ۱۳۹۵: ۵۹۷)

پیام آیه این است که این طغیانگری، طبیعت غالب انسان‌ها است، طبیعت کسانی است که در مکتب عقل و وحی پرورش نیافته‌اند که وقتی خود را مستغنی می‌پندارند، شروع به سرکشی و طغیان می‌کنند. نه خدا را بنده‌اند، نه احکام او را به رسمیت می‌شناسند، نه به ندای وجدان گوش فرا می‌دهند، و نه حق و عدالت را رعایت می‌کنند. انسان و هیچ مخلوق دیگر هرگز بی‌نیاز و مستغنی نخواهد شد و اگر لحظه‌ای فیض او قطع شود درست در همان لحظه همه نابود می‌گردند، انسان گاهی به غلط خود را بی‌نیاز می‌پندارد، و تعبیر لطیف آیه نیز اشاره به همین معنی است که می‌گوید: خود را بی‌نیاز می‌بیند نمی‌گوید بی‌نیاز می‌شود. خداوند در اینجا فرمود کرامت انسان در این است که از مرز تجاوز نکند، ولی غالب افراد در اثر گرایش به طبیعت و محرومیت از فطرت همین که یا از دیگری و جامعه به حسب ظاهر بی‌نیاز شدند طغیان‌شان شروع می‌شود که مرز استغنا مساوی است با مرز طغیان؛ گاهی مستغنی است و خود را مستغنی نمی‌بیند این هنر است؛ گاهی مستغنی نیست و خود را مستغنی می‌بیند این عیب مضاعف است که خود بزرگ بین هستند و با اینکه نیازمند به جامعه هستند خود را مستغنی می‌پندارند و بر اساس این پندار طغیان می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۳۹۸/۱۲/۲۹)

در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى﴾ (علق، ۷) «برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌پندارد.»

استغنی: الغنی، در گونه‌ها و اقسامی مختلف به کار می‌رود: اول در معنی بی‌نیازی مطلق و این نیست مگر برای خدای تعالی. دوم کم نیازی و احتیاجات کم و اندک این همان غنایی است که در سخن پیامبر (ص) یادآوری شده است که فرمود: «الغنی، غنی النفس» که بی‌نیازی واقعی، عزت نفس و بی‌نیازی روحی و نفسانی است. سوم غنی در معنی زیادی دست آورده‌ها بر حسب گونه‌گونی مردم می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲)

۲۱۹/ عامل طغیان انسان، بی‌نیاز دانستن خود از خداوند است و این مخالف توحید است. علت طغیان وی عبودیت شیطان و دل بستن به اسباب ظاهری (وسیله و نه هدف) و در نتیجه غفلت در یاد و شکر نعمت های پروردگارا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۵۵۰)

استغنا که با جمع ثروت به شکل گیری قدرت های غیر خدایی منجر می شود، بر اثر احساس بی نیازی سبب دور شدن انسان از رشد و پرورش الهی در مسیر هدایت بشری می گردد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲: ۲۷۱)

۴-۵. اراده و اختیار انسان

انسان به سبب داشتن اراده می تواند آزاد باشد و انتخاب کند. همین اراده و انتخاب آزاد میان دو راه خیر و شر و حق و باطل و شکر و کفر و ایمان است که انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده است. اختیار و اراده انسان در طول اراده خداوند است. همچنین دامنه اختیارات انسان محدود و تعیین شده است؛ چرا که در صورت عدم نیاز به خداوند و تصمیم گیری در اختیارات بدون مرز، مالکیت مطلق خداوند نادیده گرفته می شود. لذا اوامر و دستورات تشریحی معنا و مفهومی نخواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۰)

حضرت آیت الله خامنه ای ریشه آزادی انسان را، اصل توحید و یگانگی خدا می داند. این اصل، هستی و جهان را آفریده ی خدا دانسته و آموزه هایی از جمله آزادی در پرتو به این اصل مفهوم واقعی خود را پیدا می کند. بنابراین، انسان باید تنها در برابر خداوند تسلیم باشد تا از آزادی در برابر دیگران برخوردار شود. همچنین در این باره می فرماید: «اسلام، آزادی را امر فطری انسان و یکی از حقوق برتر دانسته است.» (خامنه ای، در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۷/۶/۱۲)

خداوند در این سوره می فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى» (علق/ ۹) «مرا خبر ده آیا آن کسی که باز می دارد،»

۴-۵-۱. بیهی: الَّذِي يَنْهَى و جمله شرطیه هر دو مفعول أَرَأَيْتَ هستند و محلاً منصوبند و جواب شرط اول حذف شده است. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۶/۶۷۲) جمله «أَرَأَيْتَ» به معنای «خبر ده مرا» است، و استفهام در آن به منظور شگفتی انگیز است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۵۵۲) از این آیه تا پنج آیه بعدی جنبه مثل دارد، و می خواهد به عنوان نمونه چند مصداق از انسان طاغی را ذکر کند، و نیز به منزله زمینه چینی است برای تهدید صریحی که بعداً به عقاب نموده، عقاب کسانی که از اطاعت او نهی می کنند، و نیز زمینه است برای امر به عبادتش. همین کسی که طغیان دارد و خود را بی نیاز می بیند، امر به منکر و نهی از معروف



می‌کند، اگر ببیند بنده‌ای مثل وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مشغول عبادت است او را نهی می‌کند اعتراض می‌کند. این سه پدیده تلخ را طغیانگران در برابر مردان باتقوا دارند اول اعراض است بعد اعتراض و سپس معارضه و جنگ است. فرمود: «رَأَيْتَ» آن کسی را که «يَنْهَى» نهی از معروف می‌کند به جای نهی از منکر. بنابراین در این آیه افرادی که نهی از امر معروفی می‌کنند، طغیانگری نموده اند و هیچ انسانی حق ندارد که از طاغوت اطاعت نماید و آزادی انسان تنها با اطاعت از حق معنا می‌شود چرا که حقیقت اسلام در آزادی انسان از عبودیت غیر خداوند و طاغوت است. (آیت الله خامنه ای، ۶۹/۳/۱۰)

در ادامه این سوره می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى» (علق ۱۷) «مرا خبر ده اگر این بنده نمازگزار بر راه راست باشد.»

۴-۲- هُدَى: الهُدَى: معنی هدایت یافتن و هدایت کردن است ولی دیگران فقط دلالت گفته‌اند. (قریشی، ج ۷، ص ۱۴۵) هدایت، نشان دادن و یافتن راه است به سوی مقصد الهی و گاهی اعم از الهی و غیر الهی است (بهرامپور: ۵۹۷) بنابراین فضیلت انسان به این است که اراده‌ی انتخاب راه خدا نماید و در این مسیر دشوار تنها با عزم راسخ انسانی حرکت کند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

۶- مبانی سبک زندگی اسلامی در بخش هستی‌شناسی

در هستی‌شناسی الهی، مصادیق مبنایی به مبدأ و مدیریت هستی (توحید) و هدفمندی و غایت هستی (معاد) در سایه سار عدل الهی به شمار می‌رود چرا که اعتقاد به مبدأ و معاد؛ پشتوانه‌ی عدالت اجتماعی است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷ ش، ص ۷۰)

۶-۱. مبدأ و مدیریت هستی

توحید رکن اصلی بینش و اندیشه دین اسلام است که در جهت تکریم تکوینی و تشریحی انسان حکومت و حرکت می‌کند. «آیت الله خامنه ای، در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲»

«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق، ۱۴) «مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می‌بیند؟»

۶-۱-۱. «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»: از لطیف‌ترین تعبیرات قرآن کریم در آغاز بعثت این است که ذات اقدس الهی ما را به حیا دعوت کرده است فرمود مگر نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ که هنوز مسئله جهنم و قیامت بحث نشده است و بعداً نازل می‌شود اولین بخشی که قرآن کریم دعوت و هدایت کرده حیا است که آیا نمی‌داند که خدا او را می‌بیند؟ (جوادی آملی، ۱۳۹۹/۱/۲)

و در ادامه نیز می‌فرماید: «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَا بِالنَّاصِيَةِ» (علق/۱۵) «این چنین نیست که می‌پندارد [که ما کارهایش را زیر نظر نداریم،] اگر [از کارهایش] باز نایستد، به شدت موی جلوی سرش را می‌گیریم [و به سوی دوزخ می‌کشانیم].»

لَنْسَفَعَا: از ریشه سفع به معنی گرفتن می‌باشد. صحاح گوید «سَفَعْتُ بِنَاصِيَتِهِ» یعنی پیشانی او را گرفت طبرسی و زمخشری گوید: سفع به معنی گرفتن و محکم کشیدن است. این کلمه در قرآن فقط یکبار آمده است. «لَنْسَفَعَا» دو تأکید دارد یکی لام، دیگری نون تأکید خفیفه. در کشف گوید: با نون تأکید ثقیله نیز خوانده شده و برخی مفسران معنای گرفتن و به شدت کشیدن، سیلی به صورت زدن، چهره را سیاه کردن و علامت گذاردن و خوار کردن را اشاره نموده‌اند و از همه مناسبتر در اینجا همان معنی اول است، هر چند در آیه مورد بحث معانی دیگر نیز احتمال دارد. (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷۰/۲۷)

نَاصِيَةِ: رستنگاه موی جلو سر که بصورت افعال نَصَوْتُ، اَنْتَصَيْتُهُ و نَاصِيَتُهُ بکار می‌رود یعنی موی پیشانی و جلو سرش را گرفتم. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴/۳۵۰) موی جلوی سر است به علت متصل شدن بسر ناصیه گفته شده که ناصی یناصی به معنی چسبیدن است. نتیجه این آیات این است که کسانی که با دعوت حق که سراسر توحیدی است معارضه نمایند و عدالت را زیر پا گذارند، خداوند نه تنها آنها را زیر نظر ندارد بلکه با عدالت خویش سزای ظالمین عالم را خواهد داد؛ چرا که هدف اسلام رسیدن تمام انسانها به زندگی همراه با امنیت، آرامش و عدالت است که تنها با پذیرش دعوت حق که توحید است، تحقق می‌یابد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۴۳)

۲-۶. هدفمندی و غایت هستی

یکی از نقاط اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسئله‌ی تداوم حیات بعد از مرگ است؛ در اسلام و در تمام ادیان الهی این موضوع جزو اصول جهان بینی است. تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداری جامعه و اداری عالم مؤثر است. بعد از مرگ، رفتن به يك مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسئله‌ی حساب و کتاب و قیامت و این چیزها است. «(آیت الله خامنه‌ای، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۱۲/۹)

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ (علق/۸) «بی‌تردید بازگشت به سوی پروردگار توست.»

۲-۶-۱. الرُّجْعَى: رجوع در لغت به معنی عود و بازگشتن بسوی آنجایی که ابتداء از آنجا



آمده را شامل می‌گردد مکان را اگر آن شیئی مکانی باشد و قول و فعل را نیز شامل می‌گردد اگر آن شیئی مرجوع غیر مکانی باشد مثل اینکه گویند سخن فلان برگشت به اولش نمود و نیز در عمل گویند عود به اعمال پیشین خود نمود لکن در عرف غالباً رجوع و بازگشت را نسبت به مکان آرند مانند همین آیه که همین معنا را می‌دهد. (مجتهده امین، ۱۳۶۱: ۱۵/۱۹۵). یعنی مرجع و بازگشت هر کس بسوی خداست، پس این طاعی سرکش چگونه به مالش طغیان نموده و پروردگارش را عصیان می‌کند و حال آنکه بازگشتش بسوی اوست و او قادر بر هلاک و کيفر کردار اوست آن دم که بسوی او برگشت (طبرسی، ۱۳۷۵: ۲۷/۱۸۴). اما علامه در المیزان گفته است: کلمه رجعی مانند کلمه رجوع به معنای برگشتن است، و به طوری که از سیاق تهدید آینده بر می‌آید این جمله تهدید به مرگ و بعث است، و خطاب در آن به رسول خدا (ص) است. بعضی گفته‌اند: خطاب در آن به طریق بکار بردن التفات به جنس انسان است، تا تشدید بیشتری کرده باشد. ولی ظهور آیه در معنای اول بیشتر است (طباطبایی: ۲۰/۵۵۱)

و در ادامه آیات آخر این سوره می‌فرماید: ﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ (۱۸) «ما هم به زودی مأموران آتش دوزخ را فرا می‌خوانیم.»

۲-۲-۶. الزَّبَانِيَةُ: ملائکه عذاب‌کننده. جمع است و مفرد آن یا «زبينة» و یا «زبني» و یا «زاین» است و کلمه مشتق از «زبن» است. (حسینی، ۵۹۷/۱) زبانية جمع زبنیه (به کسر زا) در اصل به معنی مامورین انتظامی، از ماده زَبَن به معنی دفع کردن و صدمه زدن و دور ساختن است، و در این جا به معنی فرشتگان عذاب و ماموران دوزخ است. (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۷۳). امر در آیه تعجیزی است، می‌خواهد با این امر به شدت اخذ اشاره کرده باشد، و معنایش این است که باید این کسی که از نماز نهی می‌کند جمع خود را صدا بزند، تا او را از دست ما نجات دهند، و ما به زودی ماموران موکل بر آتش را که فرشتگانی خشن و پرنیرو هستند صدا می‌زنیم، آن وقت است که نصرت هیچ ناصری سودی به حال او نخواهد داشت.

نتیجه

سوره علق دارای مفردات و واژگان قابل تاملی است. نکاتی بررسی شد که عنصر محوری تعلیم و تعلّم بر پایه یک نظم طبیعی است که انسان باید آفریده بشود تا رشد بکند. اول انسان است که از علق خلق شده است، بعد این انسان مخلوق علقی را به مکتب دعوت می‌کند با تعلیم قرآن او را کم‌کم انسان ملکوتی می‌کند. انسان مُلکی از درس کرامت یاد

می‌گیرد، آن‌گاه به بارگاه انسان ملکوتی بار می‌یابد. در این سوره با استفاده از مبانی سبک زندگی اسلامی نتایجی که از آیات و مفهومی آن برگرفته شد حاکی از این است که :

۱- آیه ۱ به موضوع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پرداخته است چرا که به صراحت از واژه «خلق» استفاده شده است و همچنین از واژه «اقراء» به وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که یکی از منابع معرفت‌شناسی است، اشاره می‌شود.

۲- آیه ۲ به بخش انسان‌شناسی انسان اشاره شده است که از واژه «علق» استنباط می‌شود.

۳- آیه ۳ به مبانی انسان‌شناسی در سبک زندگی از واژه «اکرم» که اشاره به کرامت انسان می‌باشد.

۴- آیه ۴ به موضوع معرفت‌شناسی الهی با استفاده از مولفه علم و دانش که در آیه به «القلم» اشاره نموده است. و در آیه ۵ به «علم» بحث تعلیم انسان و همچنین به مبانی انسان‌شناسی توجه به خردورزی اشاره شده است.

۵- آیه ۶ به بحث مبانی انسان‌شناسی که برگرفته از طبیعت مادی وی که میل به فجور و مرزگشایی دارد از واژه «لیطغی» برگرفته می‌شود.

۶- آیات ۷ و ۹ به موضوع آزادی انسان از مبانی انسان‌شناسی در سبک زندگی اسلامی با واژه «استغنی» فهمیده می‌شود.

۷- آیه ۸ به موضوع هستی‌شناسی که یکی از مبانی مهم آن معاد و بازگشت به سوی خداوند با محوریت «رجعی» اشاره شده است.

۸- آیه ۱۰ اشاره به نماز از مولفه توجه به ارزش‌ها و مناسک الهی در مبانی معرفت‌شناسی می‌باشد، از واژه «صلی» شناخته می‌شود.

۹- آیه ۱۱ اشاره گر اراده و اختیار انسان در مبانی سبک زندگی در بخش انسان‌شناسی می‌باشد که با واژه «هدی» فهمیده می‌شود.

۱۰- آیه ۱۲ به بحث مبانی معرفت‌شناسی با واژه «تقوی» برمی‌گردد.

۱۱- آیه ۱۳ ارتباط دهنده به اراده و اختیار انسان از مبانی انسان‌شناسی با واژگان «کذب» و «تولی» می‌باشد.

۱۲- آیات ۱۴ و ۱۵ به توحید در مبانی هستی‌شناسی اشاره می‌کند.

۱۳- آیه ۱۸ به معاد «زبانیه» از مبانی هستی‌شناسی مرتبط می‌گردد.



منابع

- قرآن کریم

- ۱- ابن فارس، احمد «معجم مقاییس اللغه» قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۲- امین، نصرت بیگم (۱۳۶۱ش): تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، چاپ اول
- ۳- انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش): «ترجمه قرآن (انصاریان)» قم: اسوه، چاپ اول.
- ۴- بهرامپور، ابوالفضل، «لغت نامه تفسیری» قم: آوای قرآن، چاپ اول.
- ۵- جهان بین، فرزاد (۱۳۹۸ش): «باغبانی فرهنگ» (مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای)، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری
- ۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳): «تفسیر تسنیم» قم: اسراء، چاپ پنجم.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش): «تفسیر موضوعی قرآن (توحید در قرآن)»، قم: اسراء، چاپ اول.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش): «سرچشمه ی اندیشه» قم: اسراء، چاپ دوم.
- ۹- حسین زاده اصفهانی، محمد مهدی (۱۴۰۱ش): «درسنامه اصول زندگی ساز اسلام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، قم: دارالعلم، چاپ دوم.
- ۱۰- خادمی، عاطفه (۱۴۰۰ش): «منظومه توحیدی»؛ تبیین مکتب توحیدی در اندیشه ی مقام معظم رهبری، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۱۱- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲ش): « طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات موسسه ایمان جهادی، چاپ اول.
- ۱۲- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱ش): « درسهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم»، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۳- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۶ش): «روشنای علم»، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۴- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷ش): « روشنای آینده»، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): ترجمه مفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
- ۱۶- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵ش): «پرسش‌های قرآنی جوانان»، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۷- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۶ش): «قرآن و علم»، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۸- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۹ش): «سیمای سوره‌های قرآن»، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۹- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۶ش): « منطق تفسیر قرآن (۱)»، قم: جامعه المصطفی العالمیه، چاپ پنجم.
- ۲۰- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۱ش): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت: کتاب مبین.
- ۲۱- روح بخش، علی (۱۳۸۹ش): «دانشنامه‌ی سوره‌های قرآنی» قم: ورع.
- ۲۲- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق): « نهج البلاغه» مصحح للصبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
- ۲۳- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷): «فقه سیاسی اسلام» تهران: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش): «ترجمه تفسیر المیزان» قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی چاپ پنجم.
- ۲۵- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۱ق): «المیزان فی تفسیر القرآن» بیروت: مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵): «ترجمه تفسیر جوامع الجامع» مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول.
- ۲۷- عبدالله جوادی آملی «فطرت در قرآن» قم: اسراء.
- ۲۸- عسگری، ابو هلال حسن ابن عبدالله (۱۴۱۲ ه.ق): «معجم فروق اللغویه» قم انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۲۹- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱) «قاموس قرآن» تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۳۰- مرتضی مطهری (۱۳۷۵) «فطرت» قم: صدرا، چ هشتم.
- ۳۱- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ ش) «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تهران: صدرا.
- ۳۲- معین، فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۸ ش) تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ ش) «تفسیرنمونه»، تهران: دارالکتب الإسلام، چاپ سی و دوم.



References

Holy Quran

- 1- Sharif al-Razi, Muhammad bin Hossein, 1414 AH, Nahj al-Balagheh, corrected by Lal Sobhi Saleh, Qom: Hijrat, first edition
- 2- Moin, Farhang Farsi Moin, 1388 Tehran: Amir Kabir Publishing House.
- 3- Ibn Faris, Ahmad, Mu'ajm Magha'is al-Lagheh, Qom, Islamic Propaganda Office, first edition
- 4- Amin, Nusrat Begum, 1361, Tafsir Makhzan al-Irfan in Quranic Sciences, first edition
- 5- Bahrapour, Abulfazl, Commentary Dictionary, Qom, Voices of the Qur'an, first edition
- 6- Shakuri, Abolfazl, Islamic political jurisprudence, 1377, Tehran: Bo'stan Ketab, second edition.
- 7- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, 1412 AH, translation of Mufardat Fi Gharib al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam, first edition
- 8- Tabarsi, Fazl bin Hasan, 1375, translation of Tafsir Jameim al-Jami, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, first edition.
- 9- Tabatabayi, Mohammad Hossein, 1374, translation of Tafsir al-Mizan, Qom: Qom seminary seminary community, Islamic publishing office, edition: 5
- 10- Asgari, Abu Hilal Hasan Ibn Abdullah, 1412 A.H., Ma'jam Farooq al-Laghuyeh, Qom Amnesharat Islami, first edition
- 11- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 1381, "Research on the Scientific Miracles of the Qur'an", Rasht: Mobein Kitab
- 12- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 1385, "Qur'anic Questions of Youth", Qom: Researches of Tafsir and Sciences of the Qur'an
- 13- Rooh Bakhsh, Ali, 1389, "Encyclopedia of Qur'anic Surahs", Qom: Wara
- 14- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 1389, "The Appearance of the Surahs of the Qur'an", Qom: Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an
- 15- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 1386, "Qur'an and Science", Qom: Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an
- 16- Makarem Shirazi, Naser et al., 1374, "Tafsir Muneh", Tehran, Dar Al-Katb al-Islam, 32nd edition
- 17- Qureshi, Seyyed Ali Akbar, 1371, Quran Dictionary, Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, 6th edition
- 18- Ansarian, Hossein, 1383, translation of the Qur'an (Ansarian), Qom: Osweh, 1st edition
- 19- Abdullah Javadi Amoli, Fitrat in the Qur'an, Chapter V, Qom: Isra'a
- 20- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, 1391 AH, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-Alami Institute for Press,
- 21- Khamenei, Seyyed Ali, 1392, "Outline of Islamic Thought in the Qur'an", Iman Jihadi Institute Publications, first edition
- 22- Hosseinzadeh Esfahani, Mohammad Mahdi, 1401, "Textbook of Islamic life-build-

ing principles from the perspective of the supreme leader of the revolution”, Qom: Dar al-Alam, second edition.

23- Khademi, Atefeh, 1400, “Manzome Tawhidi”; Explanation of the school of monotheism in the thought of the supreme leader, Tehran: Cultural and artistic institute and publications of the center of documents of the Islamic Revolution, first edition.

24- Jahanbin, Farzad, 2018, “Gardening Culture” (Culture Management in the Thought of Ayatollah Khamenei), Tehran: Cultural Research Institute of the Islamic Revolution, Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Grand Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Publications, Movement software

25- Javadi Amoli, Abdullah, 1383, thematic interpretation of the Qur’an (monotheism in the Qur’an), Qom: Isra, first edition

26- Morteza Motahari, 1375, “Fitrat”, Qom: Sadra, Ch 8

27- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 2016, “The Logic of Qur’an Interpretation (1)”, Qom: Al-Mustafa International University, Petjam Press

28- Mazhari, Morteza, 1377, “Principles of philosophy and the method of realism”, Tehran: Sadra

29- Javadi Amoli, Abdullah, 1383, Tafsir Tasnim, Qom: Isra, fifth edition

30- Javadi Amoli, Abdullah, 1386, “The Source of Thought”, Qom: Esra, second edition

31- Khamenei, Ali, Leader of the Islamic Republic of Iran, 2013, “Lessons of the Great Prophet, may God bless him and grant him peace”, Tehran: Cultural Research Institute of the Islamic Revolution, Department of Preservation and Publication of the Works of the Supreme Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Publications

32- Khamenei, Ali, Leader of the Islamic Republic of Iran, 2016, “Roshanai Alam”, Tehran: Cultural Research Institute of the Islamic Revolution, Department of Preservation and Publication of the Works of the Supreme Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Publications

33- Khamenei, Ali, Leader of the Islamic Republic of Iran, 1397, “Roshnai Eindh”, Tehran: Islamic Revolution Cultural Research Institute, Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Publications

